

سرخاغاز

همزمان با تجربیات تعداد زیادی از کشورهای استقلال یافته در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد؛ توسعه آنها به خاطر منفعت مردمشان نبود، بلکه از علایق کشورهای که امپراتوری‌های مستعمراتی داشتند، ناشی می‌شد. هیچ کشوری به رغم داشتن تاریخ، سنت‌های فرهنگی و پیشینه مشخص، نمی‌تواند مفهوم چیره و فراگیر توسعه را که متکی بر عقاید غرب درباره پیشرفت بشر بوده و هدف آن بالا بردن معیارهای زندگی تمام مردم است، رد کرده، از آن چشم‌پوشی کند. «از این رو، در کشورهای در حال توسعه بعد مهم توسعه، زمینه اقتصادی آن بود و به علت فاصله‌ای که بین آنها و غرب وجود داشت بسیاری از الگوهای به کار گرفته شده بر نامه‌های توسعه، ملهم از غرب و ایدئولوژی و تکنولوژی آن بود که آثار بسیاری بر این کشورها گذاشت. این تأثیرات در دو بعد درونی و بیرونی قابل تعمق است.

الف - بعد درونی

در درون کشورهای در حال توسعه، فاصله‌های درآمدی شدت گرفت و جامعه به سوی دوگانگی رویه تزايد کشانده شد. آثار این دوگانگی در بسیاری از نهضت‌های اجتماعی تبلور یافت و باعث دگرگونی‌های اجتماعی شد.

ب - بعد بیرونی

در کشورهای متروپل به علت ساخت استعمار گرایانه و تسلط داشتن بر منابع، بیشترین منافع توسعه این کشورها به خود کشورهای پیشرفته سرآزیر می‌شود و فاصله کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته شدت می‌گرفت. از این رو پس از دهه شصت و در دهه هفتاد میلادی توسعه پایدار مطرح می‌گردد؛ مفهومی جدید که نیاز به تعمق و بررسی و کنکاش بیشتری دارد.

توسعه پایدار چیست؟

توسعه پایدار، توسعه‌ای درون‌زا و نظام‌مند و متعادل است که بینشی سیستمی در همه رشته‌ها مطرح می‌سازد. نخستین رشته یا شاخه علمی که از این مفهوم بهره جست، محیط زیست بود. توسعه پایدار در پی فقرزدایی، ایجاد تعادل میان کشورهای جهان و گونه‌ای همزیستی مسالمت آمیز است و بر

رشد شهرنشینی و شهرگرایی در جهان روبه افزایش است و این روند تا مرحله تثبیت خود به مرز حد اکثر ادامه می‌یابد. توسعه زندگی شهری و رفتار شهرنشینان چگونه شکل می‌گیرد و هنجارپذیر می‌گردد؟ آیا خود به نوعی رفتاری خاص است و ویژه جامعه شهری و تحت عنوان فرهنگ شهری، یا پراپندی است از توسعه شهر و صنعت؟

توسعه فرهنگی پویایی است درازمدت که توسط ارگان‌های رسمی و غیر رسمی در جامعه دخالت می‌کند و رفته رفته بعنوان يك کنش خود را نشان می‌دهد. در حال حاضر در تمام دنیا برنامه‌های توسعه به سه بعد مهم در کنار یکدیگر می‌پردازند که یکی از آنها فرهنگ است.

فرهنگ چیست؟

«کلمه Culture که از واژه لاتینی Cultus به معنی پرستش گرفته شده، در اصل به مفهوم بزرگداشت و تجلیل و حرمت است. چندی بعد این کلمه برای تشریح فرایند کشت به کار رفت و سپس به معنای پرورش و تهذیب روح و رفتار مورد استفاده قرار گرفت. سرانجام در سده نوزدهم واژه culture برای توصیف روشنفکری و جنبه‌های زیبایی شناختی تمدن به کار رفت. . . . از دید یونسکو، «فرهنگ کلیت تأمی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که يك گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد بلکه شامل آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنتها و باورها است.» (۱، ص ۱۳)*

توسعه چیست؟

توسعه فرایندی کمی و کیفی است که در يك جامعه در همه ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن اثر می‌گذارد و سطوح مختلف زندگی را در بر می‌گیرد؛ یا به تعبیری می‌توان گفت توسعه فرایندی است که يك جامعه را از وضعی خاص به وضعی بهتر (دستکم از نظر کیفیات زندگانی) می‌رساند. «توسعه به مثابه مسأله‌ای کلی و چند بعدی،

نقش و اهمیت

توسعه فرهنگی

در فرایند توسعه

شهری پایدار

دکتر غلامرضا لطیفی

دانشکده علوم اجتماعی -

دانشگاه علامه طباطبائی

سلمن (۱۹۹۵) ضمن تحلیل نقش شهرسازی در ایجاد پایداری در شهرها به عوامل گوناگونی اشاره می‌کند که به آنها پرداخته خواهد شد.
بنا به گفتهٔ رزلند (۱۹۹۲):

«شهرها امکانات و فرصتهای فراوانی برای حل مسایلی زیست‌محیطی دارند. برنامهریزان و مسئولان شهری هم می‌توانند و هم باید در به‌کارگیری شیوه‌های جدید توسعهٔ پایدار و مدیریت شهری پیشگام شوند.» (۳-ص ۲)
در توسعهٔ پایدار شهری تلفیق گزاره‌هایی است که با هنر مدیریت شهری می‌تواند به پایداری در حوزه‌های شهری بینجامد.

پیشینهٔ موضوع

در مورد مفاهیم جدید توسعه یا ترکیب آنها رسیدن به یک نقطهٔ آغاز شاید برای سادگی موضوع اهمیت یابد، اما این پدیده بیشتر با شکل‌گیری یک تشکّل و در یک تاریخ مشخص، عینیت می‌یابد.
«انستیتو یانوس که یک سازمان غیردولتی مستقل و بین‌المللی است و چهار سازمان غیردولتی را در فرانسه، مجارستان، انگلستان و ایالات متحده دربرمی‌گیرد، به بررسی مسایلی توسعهٔ پایدار از سال ۱۹۸۰ به این سو پرداخته است. این انستیتو بویژه دست‌اندرکار توزیع اطلاعاتی است که در اجرای پروژه‌های نجات و توسعه برای همهٔ استفاده‌کنندگان از آنها، سودمند است.» (۴-ص ۸۵)

پیش از آن تاریخ، در سال ۱۹۷۲ در استکهلم سوئد کنفرانس محیط زیست انسانی سازمان ملل متحد برپا شد که دست‌آورد آن صدور اعلامیهٔ استکهلم بود؛ دست‌آوردی که شاید بتوان آن را سرآغاز رسمی و جدی پرداختن به رابطهٔ انسان با محیط دانست.

بیست سال طول کشید تا دومین کنفرانس در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شود؛ این کنفرانس که «محیط زیست و توسعه» نام داشت، بیانیه‌ای صادر کرد که منشور زمین نام گرفت و همچنین به تصویب اسناد منشور ۲۱ پرداخت. این منشور با ۲۷ اصل، مبنای رفتار مردم جهان نسبت به محیط زیست و توسعه است.

در این منشور، انسان محور توسعه شناخته شده

صلح و استفادهٔ بهتر از منابع و بویژه منابع تجدید شونده تأکید دارد. بنابراین، توسعهٔ فرهنگی نیز بستری مناسب را در توسعهٔ پایدار دنبال می‌کند.

«توسعهٔ فرهنگی از اجزاء مهم توسعهٔ پایدار زیست‌محیطی یا مدل توسعهٔ پایان قرن بیستم، محسوب می‌شود. تجربهٔ یک قرن و نیم توسعه بویژه در جهان سوم یا جهان زیرسلطه، نشان داده است که توسعه فرایندی تام و تمام است. به همین دلیل الگوهای توسعه که تنها بر بعدی از ابعاد متنوع پدیده تأکید روا داشته‌اند، در عمل به‌جای فرایندی علمی هستند و برخاسته از شرایط خاص جوامع جهان سومی، که به ایدئولوژی‌های توجیه‌کنندهٔ رابطهٔ نابرابر و نامتعادل سرمایه‌داری جهانی و ملل جهان سوم تبدیل شده‌اند. از این روی در دهه‌های هشتاد و نود میلادی تحت تأثیر شکست برنامه‌های توسعه از یک سو و عمده‌شدن تضادهای سرمایه‌داری با طبیعت از سوی دیگر، بحث توسعهٔ پایدار زیست‌محیطی مطرح و در مدتی کوتاه با اقبال صاحب‌نظران و مؤسسات توسعه روبرو گردیده و به تدریج قبول عام یافته است.» (۲-ص ۳)
توسعهٔ پایدار حالت تکاملی برنامه‌های توسعه است که با دیدی کل‌نگر و نیز با تأکید بر بینشی سیستمی سعی دارد یک رهیافت تعادل‌بخش را دنبال کند.

امروزه عوامل متعددی در زیر مجموعهٔ توسعهٔ پایدار و بطور خاص توسعهٔ پایدار شهری قرار می‌گیرد: شهر سالم - کاهش آلاینده‌ها - تأکید بر منابع تجدید شونده - فقرزدایی و ...

«توسعهٔ پایدار به معنای بهبود کیفیت زندگی، زندگی کردن در ظرفیت تحمل اکوسیستم‌های پشتیبان است.» (1-p. 99)

پایداری مفهومی پویا است و تأکید بر بهره‌گیری از منابع در یک حالت ماندگار دارد. این وضع در بین سطوح رشد کشورهای جهان دارای معانی متفاوتی است زیرا در کشورهای توسعه نیافته، سرمایه لازم برای این ماندگاری وجود ندارد و بیشترین تخریب‌های زیست‌محیطی نیز از این ناحیه است.

توسعهٔ پایدار شهری مستلزم فعالیت‌های هدایت‌شدهٔ شهرسازانه است که با استفادهٔ بهینه از زمین و محیط زیست و انرژی صورت می‌گیرد.

● توسعه آنگاه پایدار و ماندگار خواهد بود که همگان آن را به صورت یک فرهنگ بپذیرند یا باصطلاح «مقبولیت عام» یابد و مشارکت غیررسمی آحاد یک ملت را دربرگیرد.

بود که همگان آن را به صورت يك فرهنگ بپذیرند یا باصطلاح «مقبولیت عام» یابد و مشارکت غیررسمی آحاد يك ملت را دربر گیرد.

فرایند توسعه شهری پایدار

بر پایه تعریفهایی که از توسعه، فرهنگ و پایداری شد، باید دانست که در برنامه‌ریزی شهری برای تحقق هدفهای توسعه پایدار، چه نکاتی را باید مورد توجه قرار داد و از نظر اهمیت موضوع چگونه می‌توان آن را به عنوان يك فرهنگ در میان مردم مطرح ساخت؛ بویژه در جهانی که زندگی شهری رو به رشد و توسعه است و در شهرهای بزرگ، این ماندگاری در گرو مطالعات پیوسته و گسترده شهرسازان در زمینه مسائل فرهنگی است. سلمن (۱۹۹۵) محورهای فعالیت شهرسازان را برای پایداری شهرها، چنین بر شمرده است:

۱- حمایت از سرمایه‌های طبیعی حساس، شامل:

- دفاع از کیفیت هوا

- دفاع از کیفیت آب

- دفاع از زیستگاههای عمده

- کمترین بهره‌برداری از منابع تجدیدناشدنی

۲- حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، شامل:

- به کارگیری اهرمهای شهرسازی در حفظ

منابع طبیعی

- بیشترین بهره‌گیری از توانهای احیاء و

بازسازی

- فعال نگهداشتن مستمر کاربری‌های شهری

- ایجاد فضاهای سبز به عنوان يك راهبرد

۳- آینده‌نگری در تصمیمات، شامل:

- برنامه‌ریزی با افق بلندمدت

- توجه به ارزش واقعی منابع طبیعی در

تصمیم‌گیری‌ها

- استفاده از امتیازهای خاص در تصمیم‌گیری

- استفاده از روش ارزیابی در تصمیم‌گیری

۴- عدالت اجتماعی در جامعه و در میان نسلها،

شامل:

- توجه به آثار زیست‌محیطی بیرون از محدوده

شهر

- پیگیری مستمر شرایط محیط زیست

- لزوم همبستگی با سازمانها و جنبشهای

خارجی

- نظارت بر فعالیتهای صنعتی برای آگاهی از

است؛ انسانی که در جهان امروز با نابسامانیهای اقتصادی-اجتماعی بسیار روبروست. فقر مهمترین نابسامانی انسان است و تازمانی که سطح فقر در جهان کاهش نیابد، به جرأت می‌توان گفت که تحقق هدفهای توسعه پایدار بس دشوار خواهد بود.

در اصل یکم این منشور آمده است: «انسانها موضوع اصلی هرگونه توسعه هستند. برخورداری از سلامت و توانایی‌های جسمی و روحی جزو حقوق انسانها در انطباق با طبیعت است.» (2-p.2)

محور همه برنامه‌ها باید انسان باشد و نیازهای مشروع وی؛ نیازهایی که بتواند خلاقیت‌های او را در جهت تکامل، هدفدار و نظام‌مند کند.

حرکت‌های جهانی از کنفرانس استکهلم آغاز شد و در آن مسائلی چون شهر سالم، توسعه کالبدی سریع، تخریب سرزمین، گسترش و افزایش شهرها و... به میان آمد. در واقع این کنفرانس عرصه تحولات فکری تازه در برخورد با مسائل زیست‌محیطی بود.

در کنفرانس اسکان ۲ (HABITAT2) که در سال ۱۹۹۵ در استانبول برگزار شد، مصوبات کنفرانس ریو مورد تأکید قرار گرفت.

در گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۴ هم بر ضرورت دستیابی به امنیت و صلح و نیز توسعه پایدار تأکید بسیار شده است.

«مادام که مردم در زندگی روزانه خود امنیت نداشته باشند، جهان هرگز نمی‌تواند به صلح دست یابد. مناقشه‌های آینده باریشه‌های عمیق در محرومیتها و نابرابریهای اقتصادی-اجتماعی رو به افزایش، ممکن است بیشتر در درون محدوده‌های ملی رخ نمایند تا بین ملتها. در چنین فضایی، امنیت را می‌توان در توسعه یافت، نه در کاربرد اسلحه. به طور کلی، جز در بافت توسعه پایدار مبتنی بر امنیت انسانی، برای جامعه ملل دستیابی به هیچ يك از هدفهای بزرگ، از جمله صلح، حفاظت محیط زیست، رعایت حقوق بشر یا «دموکراسی گسترده» (democratization)، کاهش باروری، یکپارچه‌سازی اجتماعی امکانپذیر نخواهد بود.» (۵-ص ۱)

از این رو، توسعه آنگاه پایدار و ماندگار خواهد

● توسعه شهری زمانی پویا خواهد بود که در ارتباط نزدیک با توسعه فرهنگی و در واقع بخشی جدایی‌ناپذیر از آن باشد. حیات کالبدی، بی توسعه فرهنگی نامتعادل خواهد بود؛ چنانکه نمونه بارز آن را در شکست مدرنیسم در عرصه معماری و شهرسازی می‌بینیم.

چگونگی تولید و دفن پسماندهای صنعتی

۵. چرخه سالم توسعه، شامل:

- بیشترین بهره‌گیری از ارزیابی زیست‌محیطی در ارزیابی پروژه‌های عمرانی

- سازگاری و هماهنگی سیاستهای توسعه

- بهره‌گیری از روشهای برنامه‌ریزی محیط

زیست بر پایه ظرفیت‌ها و آستانه‌ها

- معرفی نمونه‌های موفق در شهرها در ارتباط با

انرژی، مواد و حمل و نقل و ...

- در دسترس بودن اطلاعات زیست‌محیطی

درست و کامل برای مدیران و تصمیم‌گیرندگان

۶. ترغیب و تشویق شهر و ندان شامل:

- تصمیم‌گیری شفاف

- خلاقیت مدیران

- در پیش گرفتن سیاست مناسب برای یارانه‌ها

- طرحهای توسعه‌ای که ارتباط و همفکری را

افزایش دهد

۷. کاربرد محصولات با دوام، شامل:

- نظارت بر تولید کالاها

- بهره‌گیری از نوآوریها

- تلاش در جهت دستیابی به توافق و حل و فصل

مسائل

اما مسئله این است که مفهوم پایداری را چگونه

می‌توان در شهرها تحقق بخشید؟ یک شهر پایدار

چه ویژگیهایی دارد و آیا پایداری در شهرها مفهومی

متفاوت با مفهوم کلی توسعه پایدار است؟

«توسعه پایدار، به مفهوم گسترده، یعنی اداره و

بهره‌برداری درست و کارساز از منابع پایه، منابع

طبیعی، منابع مالی و نیروی انسانی، برای دستیابی

به الگوی مصرف مطلوب، همراه با کاربرد امکانات

فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز

نسلهای امروز و آینده به گونه پیوسته و

رضایت‌بخش. این واژه را نخستین بار برانت لند در

سال ۱۹۸۷ در گزارش آینده مشترک ما به گونه

رسمی مطرح کرد. مفهوم توسعه پایدار بر این

ضرورت استوار است که باید سطح استانداردهای

اولیه زندگی انسان را بی‌دخال و تصرف بیش از

اندازه در منابع اولیه طبیعی و نیز بی‌تغییر و تخریب

محیط زیست که متعلق به همهٔ ابنای بشر است،

افزایش دهیم.» (۶-ص ۲۹)

پروژه توسعه به مثابه «یک راه‌حل» مطرح

است؛ از این رو اگر این نگرش نیز در دهه‌های

آینده نتواند به هدفهای مورد نظر برسد، ناچار باید به

دنیا مفهوم تازه‌ای گشت که به مثابه راه‌حلی دیگر،

نیازهای انسان را که در چارچوب «توسعه» مطرح

شده است، برآورده سازد.

برنامه‌ریزی فرهنگی بس واقع‌گرایانه می‌تواند

به تحقق این آرمان کمک کند. البته، با توجه به

گرفتاریهای اقتصادی جوامع، سخن گفتن از

برنامه‌ریزی فرهنگی شاید نوعی آرمان‌گرایی

دانسته شود، اما اگر برنامه‌ریزی فرهنگی کامل

باشد، می‌تواند از بروز مشکلات در سطوح دیگر

برنامه‌ریزی بکاهد.

توسعه شهری زمانی پویا خواهد بود که در

ارتباط نزدیک با توسعه فرهنگی و در واقع بخشی

جدایی‌ناپذیر از آن باشد. حیات کالبدی، بی توسعه

فرهنگی نامتعادل خواهد بود؛ چنانکه نمونه بارز آن

را در شکست مدرنیسم در عرصه معماری و

شهرسازی می‌بینیم.

فرهنگ اکنون فرایندی است در پیوند با همه

جنبه‌های زندگی؛ تا جایی که در عرصه‌های

گوناگون جای پای فرهنگ را می‌بینیم. زندگی

شهری، با توسعه شهرنشینی، نیاز به یک رهیافت

فرهنگی دارد که این رهیافت همان توسعه فرهنگی

است.

امروزه توسعه فرهنگی رهیافتی تازه است

برای سامان دادن نقش دولت، مردم و نهادهای

میانجی. از این رو، توسعه شهری پایدار می‌رود که

در بستر توسعه فرهنگی به عنوان یک ضرورت

مطرح شود، دوام یابد و ماندگاری اش را بیش از

مضمون در محتوا بیابد.

«هدفهای غایی توسعه فرهنگی را در مقیاس

یک کشور، در تعاریف و مفاهیم مختلف فرهنگ

نمی‌توان یافت، زیرا مفاهیم متنوع، بازتاب نظامهای

ارزشی متفاوت اند» (۷-ص ۱۹)

چنین است که تفاوت تعریف‌های فرهنگ نیز

می‌تواند ابعاد موضوع را در گون نمایاند. «فرهنگ

را می‌توان دو نوع تعریف کرد: ۱) تعریف پویای

فرهنگ که بتواند تغییر و تحول فرهنگی را توضیح

دهد. ۲) تعریف ایستا که ویژگی‌ها و شاخصه‌های

فرهنگ را برمی‌شمرد.

در تعریف پویا، فرهنگ حاصل مبارزه

سازگاران و عقلانی انسان با محیط است (خانواده،

دولت، جامعه و طبیعت). در این مبارزه انسان

در صدر تعریف خویشتن برای پیدا کردن هویت

خویش و نقطه عزیمت و مراحل رشد و کمال

خویش است.» (۷-ص ۲۳)

می‌بینیم که فرهنگ کالایی است دستخوش

● فرهنگ اکنون

فرایندی است در پیوند با

همه جنبه‌های زندگی؛ تا

جایی که در عرصه‌های

گوناگون جای پای فرهنگ

را می‌بینیم. زندگی

شهری، با توسعه

شهرنشینی، نیاز به یک

رهیافت فرهنگی دارد که

این رهیافت همان توسعه

فرهنگی است.

● جهان سده‌ای را

سپری کرده است که در گذر آن پیشرفت‌های علمی بسیار رخ داده است؛ چنانکه بی‌اغراق می‌توان گفت پیشرفتهای علمی در سده بیستم از همه پیشرفت‌های تمدن بشری تا پایان سده نوزدهم بیشتر بوده است. اما در این سده، بیشترین کشتارها و تخریب‌ها نیز در جهان رخ داده است.

تغییر و دگرگونی و متأثر از تعامل انسان و محیط؛ بدین سبب، سطح زندگی، تکنولوژی، درآمد سرانه و... بر کیفیت آن اثر گذار است؛ از همین رو، توسعه فرهنگی تنها توسعه اقتصادی محض نیست، بلکه توسعه‌ای است تام و مستلزم دگرگونی و نو شدن، و شاید تنها چیزی که می‌تواند فرهنگ را پویا کند، تغییر و تنوع است. هدف توسعه پایدار، چه به معنای خاص آن یعنی توسعه پایدار شهری یا توسعه شهری پایدار و چه به معنای عام آن، تأمین رفاه انسان در زندگی و پاسداری از عزت و کرامت انسان است؛ پایداری و ماندگاری آن نیز در گرو پویایی و از میان رفتن فقر و فاقه است. از این رو، می‌بینیم که یکی از محورهای مهم توسعه پایدار را از میان بردن فقر و محرومیت‌زدایی دانسته‌اند. و به همین سبب «دستور کار ۲۱» عنوان منشوری برای آینده بشریت شد.

«تنظیم چارچوب برنامه کار ۲۱ حدود ۱۵ سال پیش آغاز شد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد با قطعنامه شماره ۲۸/۱۶۱ مورخ دسامبر ۱۹۸۳، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه راه‌به ریاست پراشلند، نخست‌وزیر نروژ تشکیل داد. گزارش این کمیسیون در ۱۹۸۷ منتشر شد و حاوی نگرانی‌های جامعه بشریت از ازدیاد شتابان جمعیت، تخریب و تهی شدن سریع منابع، افزایش فقر و به هم خوردن سیکل‌های طبیعی حیات کره زمین بود. این گزارش مبنای مذاکرات بین‌الدول برای تهیه دستور کار ۲۱ قرار گرفت... یکی از فرازهای مهم دستور کار ۲۱، تشکیل کمیسیون توسعه پایدار (CSD) زیر نظر سازمان ملل متحد بود. برنامه عمل کمیسیون توسعه پایدار در کنفرانس ریو به تصویب رسید. در دستور کار ۲۱، هدف از تشکیل کمیسیون توسعه پایدار اینگونه آورده شده است:

یافتن اطمینان از بی‌گیری اهداف کنفرانس ریو، ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی و منطقی نمودن ظرفیت تصمیم‌گیری‌های بین‌الدول و مرور نمودن اقدامات اجرایی دستور کار ۲۱ در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. (۸-ص ۱).

آخرین نشست این کنفرانس در سال ۱۹۹۸ برگزار شد.

جهان سده‌ای را سپری کرده است که در گذر آن پیشرفت‌های علمی بسیار رخ داده است؛ چنانکه بی‌اغراق می‌توان گفت پیشرفتهای علمی در سده بیستم از همه پیشرفت‌های تمدن بشری تا

پایان سده نوزدهم بیشتر بوده است. اما در این سده، بیشترین کشتارها و تخریب‌ها نیز در جهان رخ داده است.

«۴۶۰۰ میلیون سال از عمر زمین می‌گذرد. اگر این فراخنای تصورناپذیر زمان را در قالب مفهومی درک‌پذیر بریزیم، زمین را به آدمی ۴۶ ساله همانند می‌توانیم کرد که درباره ۷ سال نخست عمر وی هیچ چیز نمی‌دانیم. از هفت سالگی تا نیمه‌های عمر او آگاهی‌های پراکنده‌ای در دست داریم. می‌دانیم که زمین در ۴۲ سالگی آغاز به شکفتن کرد. دایناسورها و خزندگان تنومند در ۴۵ سالگی زمین پدیدار شدند. پستانداران ۸ ماه پیش یا به هستی نهادند، در میانه و اسیسین هفته عمر زمین، میمون‌ها تحول یافتند و در پایان هفته و اسیسین، عصر یخبندان فرار سیدو یخ همه جای زمین را پوشاند. انسانهای کنونی در طی چهار ساعت پایانی عمر ۴۶ ساله زمین، پایه هستی نهادند و در واپسین ساعت عمر آن، کشاورزی را کشف کردند. انقلاب صنعتی در دقیقه پایانی عمر زمین آغاز شد. در طی شصت ثانیه پایانی زمان زیست‌شناختی، انسانها از محیط زیست کره زمین، زباله‌دانی تام و تمام ساختند.» (۹-ص ۱۶)

یکی از هدفهای مهم توسعه پایدار کاهش این ویرانی است و این مهم میسر نمی‌شود مگر با بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی، جهانی شدن (globalization) همراه با محلی‌گرایی (localization) و بویژه تأکید بسیار بر گسترش فرهنگ شهری؛ فرهنگی که با توسعه شهرنشینی، نیازمند تحولی جدی است. بستر همه این فعالیت‌ها در شهرها پدید می‌آید و توسعه پایدار شهری در بستر فرهنگی، نمود یافتن شاخص توسعه انسانی است.

«شاخص توسعه انسانی (HDI) نتیجه کوششی است به منظور رها کردن دیدگاه توسعه تولیدمدار (production-oriented) (که به تولید ناخالص داخلی یا تولید ناخالص ملی تأکید دارد) و جایگزین کردن دیدگاه دیگری که انسان‌مدار است. با این حال، HDI شاخص جاننشینی برای GNP نیست. این دو شاخص چیزهای متفاوتی را اندازه‌گیری می‌کنند. تولید ناخالص داخلی وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری تولیدمادی کالاها و خدمات، حال آنکه HDI وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری رشد و پیشرفت انسان و چنین پیشرفتی در یک بافت تطبیقی بین‌المللی ارزیابی می‌شود. شاخص

پایدار در فصل بیست و نهم دستور کار ۲۱ مطرح شده است که در اینجا به چند بند آن بر اساس ضرورت اشاره می شود:

۲۵.۲: جوانان در سراسر جهان باید فعالانه در همه سطوح تصمیم گیری مشارکت داشته باشند، زیرا این تصمیمها بر زندگی امروز و همچنین بر آینده آنها اثر می گذارد. جوانان گذشته از کمکهای فکری و نیرویی که می توانند در پشتیبانی از این تصمیمها به کار اندازند، دیدگاههایی بی مانند دارند که باید مورد توجه خاص قرار گیرد. [تأکید از نگارنده است]

۲۵.۳: در جامعه بین الملل اقدامات و طرحهای بسیار برای تضمین آینده ای سالم و ایمن برای جوانان پیشنهاد شده است از جمله در زمینه برخورداری آنان از محیط زیست مناسب، سطح زندگی بهتر و دسترسی به آموزش و اشتغال. اینها مسائلی است که باید در برنامه ریزی توسعه مورد توجه قرار گیرد.

۲۵.۴: هر کشور باید با بهره گیری از مشارکت جوانان، امکان تبادل نظر جوانان و دولت را در همه سطوح پدید آورد و مکانیسمی برقرار کند که اطلاعات لازم در اختیار جوانان قرار گیرد و به آنان فرصت داده شود که دیدگاههای خود را در باره تصمیمات، از جمله اجرای دستور کار شماره ۲۱، بیان کنند.

۲۵.۵: هر کشور باید تا سال ۲۰۰۰ تضمین کند که بیش از ۵۰ درصد جوانانش، با توازن جنسیت، در مؤسسه های آموزش متوسطه یا معادل آنها یا در طرحهای کارآموزی حرفه ای ثبت نام کنند یا به آنها دسترسی یابند. این کار باید با افزایش مشارکت و افزایش امکان دسترسی، هر سال صورت پذیرد.

۲۵.۶: هر کشور باید اقداماتی ابتکاری برای کاهش بیکاری جوانان انجام دهد؛ بویژه اگر این بیکاری به گونه ای نامتناسب در قیاس با میزان بیکاری کلی بالا باشد، این توصیه بیشتر مصداق می یابد.

۲۵.۷: هر کشور و همچنین سازمان ملل متحد باید از ایجاد مکانیسمی برای مشارکت جوانان در همه فرایندهای سازمان ملل، به منظور اثر گذاری بر این فرایندها پشتیبانی کنند.

۲۵.۸: هر کشور باید با سوء استفاده از حقوق انسانی جوانان، بویژه زنان و دختران جوان مبارزه کند و ضرورت حمایت قانونی از جوانان، آموزش

توسعه انسانی خود ترکیبی است از سه شاخص دیگر که هر یک نمایانگر نوعی پیشرفت در انسان است.» (۱-ص ۱۹۳)

پس در برنامه های توسعه پایدار شهری باید کاهش اختلاف درآمدی، افزایش سرانه های شهری، کاهش فقر، تأکید عمده بر حقوق شهروندی، رعایت حقوق زنان و کودکان، دستیابی به صلح و آرامش و کاستن از اختلاف سطح زندگی میان شهر و روستا هدف قرار گیرد. برنامه ریزی فرهنگی در توسعه پایدار زیست محیطی می تواند به عنوان یک الگوی نهادین به صورت زیر ترسیم گردد.

یکی از راههای تحقق هدفهای این توسعه، افزایش زمینه های مشارکت در دو سطح رسمی و غیررسمی است. مشارکت در جامعه به گونه های متفاوت وجود داشته است؛ اما بیشتر موردی و بر پایه رویدادی خاص شکل گرفته است. از این رو، هیچ گاه در جامعه شاهد مشارکتی پیوسته برای تحقق توسعه پایدار تر در بستری فرهنگی نبوده ایم. یکی از راهکارهای گسترش این گونه



مشارکتها در جامعه، سهمیم کردن مردم در دستاوردهای توسعه است. با این شیوه نه تنها امکان مشارکت افزایش می یابد، بلکه ضرورت استمرار آن نیز تقویت می شود. از این رو در دستور کار ۲۱ نیز بر اهمیت مشارکت های مردمی در شهر و روستا تأکید شده و افزون بر این، اهمیت مشارکت جوانان مورد توجه جدی قرار گرفته است. از آنجا که در کشور ما ساختار جمعیت بسیار جوان است، تأکید بر این امر خالی از فایده نیست.

اهمیت مشارکت کودکان و جوانان در توسعه

● در برنامه های توسعه پایدار شهری باید کاهش اختلاف درآمدی، افزایش سرانه های شهری، کاهش فقر، تأکید عمده بر حقوق شهروندی، رعایت حقوق زنان و کودکان، دستیابی به صلح و آرامش و کاستن از اختلاف سطح زندگی میان شهر و روستا هدف قرار گیرد.

اقتصادی باید به صورت نمودار زیر به برنامهریزی‌ها توجه کرد.

نادیده گرفتن هر سطح به معنای زیان رساندن به يك روند برنامهریزی پویا و همه‌سویگر است و رابطه بین این سطوح برنامهریزی هر جزء را به جزء دیگر متصل می‌کند؛ از این رو، نادیده گرفتن آن یا به عمد است یا به سبب نداشتن آگاهی لازم.

یکی از مواردی که می‌تواند ابعاد برنامهریزی را پویا کند و زنده بدارد، مشارکت مردم و نقش سازنده مردم در اجرای برنامه‌هاست تا جایی که برنامهریزی فرهنگی برای توسعه پایدار به برنامهریزی فرهنگی مردم‌مدار برای توسعه پایدار تبدیل شود.

«برنامهریزی فرهنگی به مثابه يك اقدام آگاهانه در جهت حفظ، تغییر، اصلاح، ساماندهی و توسعه فرهنگ ربط و وثیقی به پارادایم* و انگاره نظری حاکم بر برنامهریزی فرهنگ دارد.

هر پارادایمی در خصوص فرهنگ، نوعی آگاهی است نسبت به ماهیت فرهنگ، خاستگاه، رابطه آن با عوامل و عناصر اجتماعی دیگر، تغییر و مکانیسم‌های بقای آن، حوزه‌های فرهنگی، رابطه فرهنگها با هم، جهت تغییر فرهنگ، قابلیت‌های

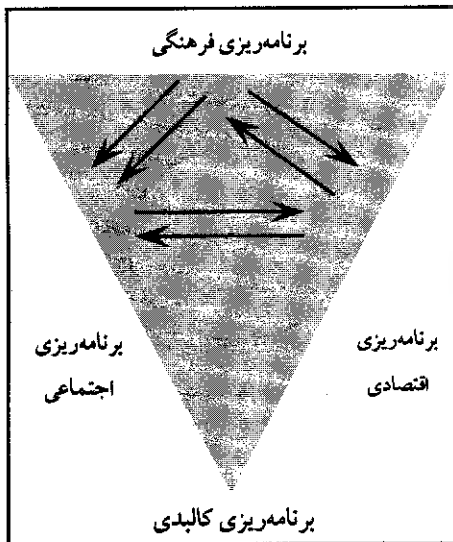
مهارتها و فراهم آوردن فرصت برای ایشان را در نظر داشته باشد و همچنین جوانان را در تحقق آرزوها و استعدادهای فردی، اقتصادی و اجتماعی آنان یاری کند. (صص ۳۷۴-۳۷۳)

می‌بینیم که در دستور ۲۱ تا چه اندازه بر اهمیت نقش مشارکت جوانان تأکید شده است؛ اما این مشارکت تحقق نمی‌یابد مگر آنکه دولت‌ها در کشورهای توسعه نیافته به اهمیت نقش مشارکت آفرینی خود پی ببرند، از چارچوب مقررات خشک و دست و پاگیرها شوند و باور کنند که کنکاش در مسائل جامعه، می‌تواند در حل بسیاری از مسائل فرهنگی و اجتماعی مؤثر باشد. بی‌گمان اجرای برنامه‌های مشارکتی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های فکری و مادی دارد و بعد فکری آن اهمیت بیشتری دارد. از سوی دیگر، چون جامعه جهانی با توسعه علوم ارتباطی در حال کوچک شدن است، این مهم می‌تواند در سطحی بین‌المللی و در يك رابطه دوسویه قرار گیرد. به هر روی، در دستور ۲۱ بر اهمیت تشخیص و تقویت نقش مردمان بومی و اجتماعات آنها تأکید بسیار شده است:

«مردم بومی و اجتماعات ایشان رابطه‌ای دیرین با سرزمین خویش دارند و عموماً زادگان ساکنان اصلی این سرزمینها هستند. در این فصل، اصطلاح «سرزمین» در عین حال شامل محیط زیست مناطقی می‌شود که این مردم از دیرباز در آن سکونت داشته‌اند. مردم بومی و اجتماعات ایشان در صدی چشمگیر از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. آنان طی نسل‌های مختلف به شناختی علمی و دیرینه از سرزمین خود و منابع طبیعی و محیط زیست آن دست یافته‌اند. مردم بومی باید به صورت کامل از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، بی‌هیچ مانع و تبعیضی، برخوردار باشند. تا امروز توان مشارکت ایشان در فعالیتهای مربوط به توسعه پایدار در سرزمین شان، به سبب عواملی که ماهیت اقتصادی، اجتماعی و تاریخی داشته، محدود بوده است. با توجه به رابطه متقابل محیط زیست طبیعی با توسعه پایدار و رفاه فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی مردمی بومی، در کلاسهای ملی و بین‌المللی، برای اجرای برنامه‌های مناسب محیط زیست و توسعه پایدار، باید نقش مردم بومی و اجتماعات ایشان پذیرفته و تشویق و تقویت گردد.» (۸-ص ۳۷۹)

در برنامهریزیهای فرهنگی و اجتماعی و

● مشارکت تحقق نمی‌یابد مگر آنکه دولت‌ها در کشورهای توسعه نیافته به اهمیت نقش مشارکت آفرینی خود پی ببرند، از چارچوب مقررات خشک و دست و پاگیرها شوند و باور کنند که کنکاش در مسائل جامعه، می‌تواند در حل بسیاری از مسائل فرهنگی و اجتماعی مؤثر باشد.



فرهنگ، به همراه ارزشگذاری این امور و راهبردهای عملی ضمنی و آشکار که به برنامهریزی به‌عنوان عملی ممکن و معقول معنی می‌بخشد.» (۲-ص ۶۰)

شناخت برنامهریزی فرهنگی در ابعاد گوناگون آن، خود به يك پارادایم فکری در عرصه‌های برنامهریزی تبدیل می‌شود؛ به همین سبب در بیانیه کنفرانس ونیز آمده است: برای آنکه فرهنگ

محیطی است که آسیب رساندن به آن در درجه نخست، انسان ویران کننده آن را متأثر می‌سازد.

بتواند کیفیت زندگی را در جوامع امروز غنی‌تر سازد، لازم است مسائل فرهنگی در برنامه‌ریزی محلی مورد توجه قرار گیرد.

«برنامه‌ریزی نمی‌تواند صرفاً بر مبنای ملاحظات اقتصادی باشد. چند تن از نمایندگان در مورد وخیم شدن محیط زندگی، ویژه در شهرها، هشدار دادند. در دنیایی که به سرعت به سوی صنعتی شدن و شهرنشینی پیش می‌رود، به طوری که در بعضی از کشورها، تعداد ساختمانها در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ دو برابر شده است، کوشش برای حفظ محیط زیست، به عنوان یکی از ابعاد فرهنگ اجتماع، نقش اساسی در برنامه‌ریزی فرهنگی دارد.

شهرها و جاده‌ها زشت‌تر می‌شوند. مردم به زشتی عادت می‌کنند و احساس نیاز به زیبایی در آنان از بین می‌رود. شهرها بدون توجه به اهمیت میراث طبیعی یا فرهنگی و لزوم حفظ آنها، توسعه می‌یابند. هر روز بیشتر از گذشته، شهرها به جای آنکه جلوه گاه انسان باشند، تصویر غلطی از او ارایه می‌دهند و به مکانهایی که برای رشد فرهنگ مناسب نیست، تبدیل می‌شوند. اغلب به حومه شهر و مناطق روستایی بی توجهی می‌شود و مناظر طبیعی یا انسان ساخته، به گونه‌ای جبران‌ناپذیر، نابود می‌شوند. توجه به معماری و برنامه‌ریزی تنها بدین علت نیست که کیفیت گذران اوقات فراغت تحت تأثیر تعیین کننده ویژگیهای شهری قرار دارد، بلکه از آنجا که تجربه فرهنگی مردم به شدت از کیفیت معماری در زندگی امروزه آنان متأثر است و مشاهده ساختمانها اولین آشنایی کودک با هنر است، باید به معماری و برنامه‌ریزی توجه نمود. محیط زندگی فرد را نباید کم اهمیت دانست. محیط در رفاه عمومی و رشد روانی فرد مؤثر است و اگر خشن و زشت باشد، تعادل او را بر هم می‌زند، غرایز او را تشدید می‌کند و او را به سمیت خیالپروری سوق می‌دهد. بنابراین، روشن است که نه تنها مناظر تاریخی یا رمانها و حتی ابزار و تسهیلات هنری، بلکه محیط، به عنوان يك کل، برای زندگی فرهنگی فرد اهمیت دارد.» (۷صص ۱۴۰-۱۴۱)

اهمیت محیط چنان بالاست که رابطه‌ای که انسان می‌تواند به صورت متقابل با آن برقرار کند، او را به نوعی تعامل با محیط فرا می‌خواند و این فراخوانی بیشتر به خاطر درک اهمیت حفظ

* از این پس مأخذ مورد استفاده به صورت دو عدد داخل پرانتز مشخص خواهد شد؛ عدد سمت راست نشانگر شماره منبع در فهرست مأخذ و منابع است که در آخر مقاله آمده و شماره سمت چپ مبین شماره صفحه است.

* این اصطلاح را نخستین بار توماس کون (Thomas Kun) در جامعه‌شناسی به کار برده است و دلرای ۴ قسمت است: ۱- الگو دهنده فکری ۲- تصور از واقعیت ۳- مجموعه ثوری دارد ۴- روش دارد (پارادایم اصولاً به این معنی است که گروه‌های علمی را از هم تفکیک می‌کند و ایزلاری است برای گروه‌بندی علمی). برای آگاهی بیشتر به متون علوم اجتماعی مراجعه شود.

فهرست منابع

۱. یونسکو، فرهنگ و توسعه، ترجمه، نعمت‌الله و رضا فاضلی، ۱۳۷۶
۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ساماندهی فرهنگی (خلاصه مقالات)، ۱۳۷۷
۳. مجله محیط‌شناسی، ش ۲، «شهر و شهرسازی و محیط زیست»، ۱۳۷۶.
۴. محمدی، تیمور، بعد فرهنگی توسعه - تهران: سازمان برنامه و بودجه، جلد اول، ۱۳۷۶.
۵. سازمان ملل متحد، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ ترجمه قدرت‌الله معمارزاده، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴.
۶. فصلنامه رهیافت، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۷
۷. ژیرار، اگوستین، زرین قلم و دیگران، توسعه فرهنگی، ۱۳۷۲
۸. دستور کار ۲۱، ترجمه حمید طراوتی و سید امیر ایافت، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۷
۹. درم‌بخش، کیومرث، «انسان و محیط زیست»، ماهنامه متالوژی و مواد، سال چهارم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸.
۱۰. گریفتن، کیت؛ تری مک کنلی، تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۵.

11. World Conservation. UN Environment Program and World Wide Fund for Nature 1994.

www.pdacitydub.org/sustainability.pdf

● یکی از مواردی که

می‌تواند ابعاد برنامه‌ریزی را پویا کند و زنده بدارد، مشارکت مردم و نقش سازنده مردم در اجرای برنامه‌هاست تا جایی که برنامه‌ریزی فرهنگی برای توسعه پایدار به برنامه‌ریزی فرهنگی مردم‌مدار برای توسعه پایدار تبدیل شود.